

دوتا ۳۸۵	عهد جدید / ۴۱
	مکاشفه ۱۲
T = معلم ۱ (تدریس توسط معلم ۱)	

(T) به برنامه " دوره شاگردسازی از رادیو " خوش آمدید. امروز مکاشفه فصل ۱۲ را معرفی می‌کنیم.

مکاشفه فصول ۱۲ و ۱۳ تعلیم می‌دهند که "دلیل اصلی کشمکش بین کلیساهای مسیحی و دنیا، منازعه بین مسیح و شیطان است"

بخش چهارم کتاب مکاشفه شامل فصول ۱۲-۱۴ است. مکاشفه فصل ۱۲ نبرد شیطان بر علیه مسیح، کلیسا و مسیحیان را شرح می‌دهد. دلیل واقعی وجود این میزان مخالفت با کلیسا، مسیحیان و پیام انجیل این است که شیطان با مسیح مخالف است. شیطان قدرتهای جهنمی را به همراه نیروهای شریر به سوی زمین بسیج می‌کند تا با مسیح، کلیسای مسیح و مسیحیان بجنگند. با آنکه کلیسای مسیح و فرد فرد مسیحیان از سوی خدا مورد محافظت و مراقبت قرار می‌گیرند، لیکن آنها بر روی زمین بگونه‌ای زندگی می‌کنند که گویی در بیابان هستند. مکاشفه فصل ۱۳ نبرد نیروهای سیاسی و مذهبی ضد مسیح وابسته به شیطان بر ضد مسیحیان را تا زمانی توصیف می‌کند که در دوران ضد مسیح آخر زیستن برای مسیحیان غیرممکن می‌شود. پنج تصویر سمبولیک، دلایل ضمنی نبرد بر ضد مسیحیان روی زمین را مکشوف می‌کنند.

اول. تصویر سمبولیک در مکاشفه ۱۲: ۱-۶ درباره نزاع بین اژدها و فرزند پسر است."

یک. "تصویر سمبولیک زن". «زن» سمبل بوده و بیانگر کلیسا است که قوم خدا را چه در عهد عتیق (۱۲: ۱-۲؛ اشعیا ۵۰: ۵؛ ۵۴: ۱؛ هوشع ۲: ۲) و چه در عهد جدید (۱۲: ۱۶-۱۷؛ ۱۹: ۷؛ ۲۱: ۲ و ۹-۱۰؛ افسسیان ۵: ۳۲) دربر می‌گیرد. کتاب مقدس بر این واقعیت تاکید دارد که قوم خدا از زمان خلقت تا هنگام خلقت جدید، یک هستند. کتاب مقدس از یک تاکستان و یک ملکوت (متی ۲۱: ۳۳-۴۴)، یک گله (یوحنا ۱۰: ۱۶)، یک ریشه و یک درخت زیتون (رومیان ۱۱: ۱۷ و ۲۴)، یک بدن مسیح (اول قرنیتیان ۱۲: ۱۲-۱۳)، یک خانواده خدا (غلاطیان ۳: ۲۶-۲۹)، یک انسان تازه (افسسیان ۲: ۱۱-۱۸)، یک اهل خانه خدا (افسسیان ۲: ۱۹-۲۲)، یک قوم برگزیده، یک ملت مقدس، یک قوم متعلق به خدا (اول پطرس ۲: ۹)، یک عروس بره (مکاشفه ۲۱: ۲-۱) و یک اورشلیم تازه که کلیسا است (عبرانیان ۱۲: ۲۲-۲۴؛ مکاشفه ۲۱: ۲-۱ و ۹-۱۴)، سخن می‌گوید. از دید آسمان، کلیسا پر جلال است. زن با «آفتاب» ملبس است، که سمبلی است از اینکه شکوهمند و سرافراز است. او «ماه را در زیر پا دارد» که نمادی است از اینکه سلطنت می‌کند. بر روی سرش «تاجی با دوازده ستاره» دارد، که نشانه پیروزی او از طریق مسیح است، که می‌بایست از اسرائیل متولد و سر شیطان را له کند (پیدایش ۳: ۱۵؛ غلاطیان ۴: ۴). زن آستن است، سمبل اینکه نقش او زاییدن عیسی مسیح «در ماهیت انسانی» اوست (یوحنا ۴: ۲۲؛ رومیان ۹: ۵). او «در شرف زاییدن» است، که سمبلی است برای اشاره به آمدن اولیه مسیح.

دو. "تصویر سمبولیک اژدها". «اژدهای سرخ‌فام غول‌پیکر» نمادی است برای نشان دادن شیطان (۱۲: ۹؛ ۲۰: ۲). «هفت سر و هفت تاج» نمادهایی هستند که معرف استیلاي شیطان بر جهان می‌باشند، یعنی او در دنیا تنها بر کسانی تسلط دارد که متعلق به مسیح نیستند (لوقا ۴: ۵-۷؛ یوحنا ۱۲: ۳۱؛ ۱۶: ۱۱؛ افسسیان ۲: ۲؛ اول یوحنا ۴: ۴؛ ۵: ۱۹؛ کولسیان ۱: ۱۳). «تاجهایش» سمبل تصور متکبرانه‌ای است که وی از اقتدار خود دارد و نه تاجهای پیروزی. «ده شاخ» نمادهایی برای نشان دادن قدرت مخرب او می‌باشند (مزمور ۲۲: ۲۱؛ حزقیال ۳۴: ۲۱). شیطان وقتی که در ابتدای تاریخ در گناه فرو افتاد، "یک سوم ستارگان را بدنبال خود کشید و بر زمین ریخت". اینها نماد خیل عظیم فرشتگانی هستند که با او سقوط کردند و بر روی زمین به دیو یا ارواح پلید تبدیل شدند (ایوب ۳۸: ۷؛ دوم پطرس ۲: ۴؛ یهودا ۶). "اژدها در مقابل زن که در حال زاییدن بود، ایستاد تا نوزاد او را بلعد. این پسر با قدرتی مستحکم بر تمام قومه حکومت خواهد کرد. پس وقتی پسر به دنیا آمد، او را به سوی خدا و تخت او بالا بردند". از زمان فرو افتادن آدم و حوا در گناه، شیطان پیوسته به دنبال این بوده که مانع از آمدن مسیح شود، زیرا می‌دانست که مسیح سر او را له خواهد کرد. اما شیطان شکست خورد.

"خلاصه‌ای از نبرد بین مسیح و شیطان در دوره عهد عتیق."

یک. "نبرد از شیث تا نوح". اولین زن و مرد، دو فرزند داشتند، قائن و هابیل. قائن هابیل را به قتل رساند. پسر سومی به نام شیث متولد شد، که مقدر شد منجی آینده از نسل او به دنیا آید. چنین به نظر می‌رسد که شیطان می‌خواست نسل شیث را نابود کند تا بدین ترتیب منجی وعده داده شده متولد نشود. در پیدایش ۶: ۱-۱۰ می‌خوانیم که پسران شیث، پیروی خدا بود، شروع کردند به ازدواج با دختران قائن، که تنها پیرو انسان بود. نتیجه این شد که بر روی زمین شرارت شدیداً گسترش یافت. خدا تصمیم گرفت نسل بشر را بوسیله سیل بکلی نابود کند و چنین به نظر می‌رسید که شیطان پیروز شده است. با این وجود هنوز یک خانواده خداترس وجود داشت. نوح شخصی عادل و در میان مردمان زمان خود بری از تقصیر بود و با خدا سلوک می‌کرد. خداوند نوح و خانواده‌اش را نجات داد.

دو. "نبرد از نوح تا یعقوب". حال وعده مربوط به منجی آینده به ابراهیم و سارا داده شد. از دیدگاهی انسانی تحقق آن وعده غیرممکن بود، زیرا آنها فرزندی نداشتند. شیطان تقریباً پیروز شده بود. ناگهان در دوران کهولت آنها معجزه‌ای رخ داد. خداوند به آنها پسر ی عطا کرد، اسحاق.

سپس وعده مربوط به منجی آینده به اسحاق داده شد. در پیدایش ۲۵: ۲۱ می‌خوانیم که ربکا نیز نازا بود. دوباره به نظر می‌رسید شیطان پیروز شده است. لیکن خداوند به او فرزندی عطا کرد، عیسو و یعقوب.

وعده مربوط به منجی آینده به یعقوب داده شد. یعقوب با نیرنگ حق نخست‌زادگی را از برادرش گرفت، پس عیسو در صدد کشتن او برآمد. اما شیطان موفق نشد یعقوب را نابود کند.

سه. "نبرد از یعقوب تا موسی". شیطان موفق به نابودی ابراهیم، اسحاق و یعقوب نشد. پس حمله خود را متوجه اسرائیلی‌ها یا یهودیان کرد، که از نسل یعقوب بودند. در خروج می‌خوانیم که چطور پادشاه مصر فرمان قتل همه نوزادان پسر اسرائیل را صادر می‌کند. مجدداً به نظر می‌رسد شیطان پیروز شده است. اما خداوند موسی را بلند می‌کند و او را بکار می‌گیرد تا اسرائیل را برای رهایی از بردگی مصر هدایت کند.

در خروج ۳۲ می‌خوانیم که چطور اسرائیلی‌ها مرتباً به سوی بت‌پرستی باز می‌گردند. در بیابان گوساله‌ای طلایی می‌سازند و آن را پرستش می‌کنند. خداوند خشمگین بود و می‌خواست همه قوم اسرائیل را نابود کند (۳۲: ۱۰). دوباره به نظر می‌رسد شیطان پیروز شده است. لیکن موسی نزد خدا شفاعت و طلب بخشش کرد. در اینجا موسی به نوعی همانند عیسی مسیح است که بزرگترین شفاعت‌کننده می‌باشد، شفاعت‌کننده‌ای که نه تنها برای ما دعا می‌کند، بلکه جان خود را برای ما داد.

چهار. "نبرد از موسی تا داود پادشاه". آنگاه وعده مربوط به منجی آینده به خاندان داود از قبیله یهودا داده شد. در ارمیا ۲۳: ۵ می‌خوانیم که، "خداوند می‌فرماید، «اینک روزی فرا خواهد رسید که من شخص عادل را از نسل داود به پادشاهی منصوب خواهم نمود؛ او پادشاهی خواهد بود که با حکمت و عدالت حکومت کرده، در سراسر دنیا عدالت را اجرا خواهد نمود»". بنابراین، نقشه شیطان نابودی داود بود. در اول سموئیل ۱۸ می‌خوانیم که چطور شاول دوبار تلاش می‌کند داود را با نیزه بکشد. بار دیگر شیطان در تلاش خود برای ممانعت از تولد منجی موعود بر روی زمین شکست می‌خورد. شیطان حتی زن و فرزندان خود داود را برای نابودی او بکار می‌گیرد، اما موفق نمی‌شود. کتاب مقدس به ما تعلیم می‌دهد که هیچ کس نمی‌تواند مانع از اجرای نقشه ابدی خدا شود.

پنج. "نبرد از داود پادشاه تا آحاز پادشاه". در دوم پادشاهان ۱۱: ۱-۳ می‌خوانیم که چطور عتلیا، مادر بدطینت پادشاه متوفی، تصمیم می‌گیرد کل خانواده سلطنتی داود پادشاه را نابود کند، زیرا قصد دارد خود تمامی قدرت را در دست گیرد. تمام شاهزادگان خاندان سلطنتی به قتل رسیدند. بار دیگر گویی شیطان پیروز شده بود. لیکن مجدداً خدای حاکم مانع از موفقیت شیطان و متحدان او شد. یهوشبع، خواهر پادشاه متوفی، یکی از شاهزادگان را دزدید و او را قبل از آنکه پادشاه شود به مدت شش سال در معبد مخفی کرد.

در دوم پادشاهان ۱۶ می‌خوانیم که چطور پادشاهان اسرائیل و آرام دسیسه می‌چینند پادشاهی یهودیه را نابود کنند. علیرغم این، در اشعیا ۷: ۱۴، خداوند به آحاز پادشاه یهودیه وعده داد، "خداوند خودش علامتی به شما خواهد داد. آن علامت این است که باکره‌ای حامله شده، پسری بدنیا خواهد آورد و نامش را عمانوئیل خواهد گذاشت". خداوند وعده می‌دهد که هیچکدام از شرایط دشوار در طول تاریخ قادر نیستند مانع از آمدن منجی آینده به جهان شوند. منجی آینده «عمانوئیل» نامیده خواهد شد که معنای آن «خدا با ما» است. باز هم شیطان از کسب پیروزی در می‌ماند. کتاب مقدس به ما تعلیم می‌دهد که هیچ قوم یا رهبر شروری قادر نیست خدا را از انجام نقشه‌اش بر روی زمین بازدارد.

شش. "نبرد از آحاز پادشاه تا استر". در قرن پنجم قبل از میلاد یهودیان تحت حکومت امپراتوری ماد-پارس زندگی می‌کردند. هامان بدذات با نیرنگ پادشاه را به امضاء فرمانی جهت قتل عام یهودیان ساکن در آن امپراتوری راضی کرد. در استر ۳: ۱۳ می‌خوانیم، "نامه‌ها بوسیله قاصدان به تمام استانها فرستاده شد، با این دستور که باید تمام یهودیان، زن و مرد، پیر و جوان در روز سیزدهم ماه ادار قتل عام شوند و دارایی آنها به غنیمت گرفته شود". همه یهودیان در تبعید در معرض خطر انقراض قرار داشتند. اگر هامان موفق می‌شد، شیطان پیروز و نقشه خدا برای نجات متوقف می‌شد. سپس وقتی که کل کتاب استر را بخوانید، مشاهده می‌کنید که چطور خداوند مانع از تحقق این فاجعه شد. شیطان پیروز نشد.

هفت. "نبرد از استر تا بیت‌لحم". وقتی که بالاخره زمان آن رسید که منجی در بیت‌لحم متولد شود، شیطان آخرین تلاشش را برای ممانعت از آن به انجام رساند. در متی ۲ می‌خوانیم که چطور هیرودیس پادشاه نابکار از شنیدن خیر تولد منجی موعود در بیت‌لحم هراسان شد. او گمان می‌کرد که این منجی پادشاهی زمینی او را تهدید خواهد کرد و بنابراین دستور داد تمامی کودکان پسر زیر دو سال را در بیت‌لحم به قتل رسانند. اما نقشه ابدی خدا را نمی‌توان باطل کرد. در متی ۲: ۱۳ می‌خوانیم که چطور فرشته‌ای هنگام شب نزد یوسف آمد و به او گفت که به مصر فرار کند، زیرا هیرودیس قصد کشتن کودک، یعنی عیسی مسیح را دارد. یوسف و مریم و عیسی طفل تا زمان مرگ هیرودیس در مصر ماندند (متی ۲: ۱۵).

مکاشفه ۱۲: ۵ می‌فرماید که زن "یسری زایید این پسر با قدرتی مستحکم بر تمام قومها حکومت خواهد کرد. پس وقتی پسر به دنیا آمد، او را به سوی خدا و تخت او بالا بردند".

«کودک پسر» نماد است و معرف عیسی مسیح است، زیرا انبیا پیشگویی کرده بودند که از زنی زاییده خواهد شد (پیدایش ۳: ۱۵؛ غلاطیان ۴: ۴) و با عصایی آهنین بر همه اقوام حکومت خواهد کرد (مزمور ۲: ۹؛ مکاشفه ۲: ۲۷؛ ۱۲: ۱۰). مسیح از طریق زندگی، مرگ، قیام، صعود و جلوس خود بر تخت سلطنت بر شیطان غالب شد و او را در بند کرد، یعنی چنان او را محدود کرد که دیگر قادر نیست مانع از موعظه انجیل و رسیدن نجات به ملل جهان شود (متی ۱۲: ۲۹؛ لوقا ۱۰: ۱۸؛ یوحنا ۱۲: ۳۱-۳۲؛ کولسیان ۲: ۱۵؛ عبرانیان ۲: ۱۴؛ اول یوحنا ۳: ۸؛ مکاشفه ۱۲: ۵-۱۰؛ ۲۰: ۱-۳). شیطان از نابود کردن فرزند انسان، که سمبل مسیح است، شکست می‌خورد، پس بر آن می‌شود که زن را که نماد بدن مسیح یا کلیسا است، نابود کند. مکاشفه ۱۲: ۵ تولد، زندگی، مرگ، قیام، صعود، و بر تخت نشستن عیسی مسیح را در طول آمدن اولش به این زمین خلاصه می‌کند. می‌گوید، "وقتی پسر به دنیا آمد، او را به سوی خدا و تخت او بالا بردند".

مکاشفه ۱۲: ۶ بیانیه خلاصه‌واری است از آنچه در مکاشفه ۱۲: ۱۳-۱۷ شرح داده می‌شود.

دوم. "تصویر سمبولیک در مکاشفه ۱۲: ۷-۱۲ مربوط است به اژدهای شکست‌خورده".

حاصل تولد مسیح، مرگش برای کفاره، صعود و جلوسش بر تخت شکست دادن شیطان بود. تصویر نزاعی است در آسمان که در آن میکائیل فرشته، رهبر فرشتگان نیک و مدافع قوم خدا بر روی زمین (دانیال ۱۰: ۱۳ و ۲۱؛ ۱۲: ۱؛ یهودا ۹)، به

شیطان، رهبر فرشتگان شرور و مخالفان قوم خدا بر روی زمین، حمله می‌کند. شیطان قوی بود، اما نه به اندازه کافی. شیطان و ارواح پلید جایگاه خود را در آسمان از دست دادند. آنها بر زمین افکنده شدند. تصویر را نباید به صورت ظاهری آن درک کرد، زیرا بیرون افکنده شدن شیطان از آسمان به این معناست که جایگاه خود را به عنوان «تهدت‌زننده» به قوم خدا از دست داد (۱۲: ۱۰). بعد از آنکه مرگ مسیح کفاره گناهان قوم خدا را فراهم کرد، شیطان از هر گونه ژست عدالت‌طلبانه‌ای برای تهدت زدن به آنها محروم شد. با آنکه امروز هم شیطان کماکان مسیحیان را محکوم می‌کند، لیکن دیگر نمی‌تواند بر کار تمام شده عیسی مسیح انگشت گذارد (رومیان ۸: ۳۳). عیسی با عباراتی دیگر همین مطلب را بیان می‌کند، "شیطان را دیدم که همچون برق، از آسمان به زیر افتاد" (لوقا ۱۰: ۱۸؛ یوحنا ۱۲: ۳۱).

مسیح پس از صعود ظفرمندانه و نشستن بر تخت در آسمان (اول پطرس ۳: ۱۸-۲۲) فرمانروایی پیروزمندانه خود بر هر قدرتی در جهان را تا بازگشتش ادامه می‌دهد (متی ۲۸: ۱۸؛ یوحنا ۱۳: ۳؛ اول قرنتیان ۱۵: ۲۵؛ افسسیان ۱: ۲۰-۲۳؛ اول پطرس ۳: ۲۲).

شکست شیطان سه نتیجه دارد: یک. نجات خدا که، آنرا از طریق مسیح به انجام رساند، متجلی می‌شود؛ قدرت حاکم خدا آشکار می‌گردد؛ پادشاهی یا حاکمیت خدا بر دل‌های مردم برقرار می‌شود و اقتدار مسیح در آسمان و بر روی زمین عیان می‌گردد (۱۲: ۱۰). دو. قوم خدا بر شیطان پیروز می‌شود. این پیروزی حاصل اعتماد کاملشان به کار نجات تکمیل شده توسط مسیح بر روی صلیب، شهادت دادن در مورد ایمانشان به مسیح، و اثبات خالصانه بودن ایمانشان در نتیجه ثبات قدم ماندنشان تا دم مرگ است (۱۲: ۱۱). سه. شیطان آکنده است از غضب، زیرا شکست خورده است و می‌داند که پیش از بازگشت مسیح و شکست نهایی‌اش، فرصت چندانی برایش باقی نمانده است (۱۲: ۱۲؛ ۲۰: ۱۰).

سوم. "تصویر سمبولیک در مکاشفه ۱۲: ۱۳-۱۷ مربوط است به ادیت و آزار زن و نسل او توسط اژدها". جزئیات این تصویر در ۱۲: ۶ آمده است.

یک. اژدها زن را بر روی زمین مورد تعقیب قرار داد، زیرا فرزند پسری به دنیا آورده بود. تلاش شیطان برای نابودی بدن یا کلیسای مسیح مرحله دیگری از خشم او بر ضد مسیح است. با این حال، خداوند به زن «دو بال عقاب بزرگی» (خروج ۱۹: ۴) اعطا می‌کند و از او در «مکانی که در بیابان برایش تدارک دیده» (تثنیه ۱: ۲۹-۳۳) به مدت «زمانی و دو زمان و نصف زمان» (دانیال ۷: ۲۵) مراقبت می‌کند. کلیسای عهد جدید بر حسب کلیسای عهد عتیق (داوران ۲۰: ۲) یا اسرائیل در زمان خروجشان از مصر، سرگردانی‌شان در بیابان برای چهل سال و سرکوبشان توسط شیطان و عوامل ضد مسیح او در فاصله زمانی بین آمدن اولیه و ثانویه مسیح، ترسیم می‌شود. این تصویر گونه عهد عتیقی است از کلیسای عهد جدید و سفر آن به سوی کنعان آسمانی. گونه‌شناسی خروج بطور ویژه‌ای در عهد جدید قابل تعمیم است (متی ۲: ۱۵؛ یوحنا ۱: ۲۹؛ اول قرنتیان ۵: ۷-۸؛ اول قرنتیان ۱۰: ۱-۱۲). خداوند کلیسای عهد جدید خود را از دوران جفای عهد جدید (مکاشفه ۱۲: ۱۴) عبور داده و آن را تغذیه می‌کند (افسسیان ۵: ۲۹). عدد «زمانی و دو زمان و نصف زمان» معادل است با سه و نیم و بر دوره‌ای از عهد عتیق استوار است که اسرائیل از لحاظ مذهبی توسط آحاب و ایزابل بی‌خدا تحت ستم بودند، کشور از خشکسالی و قحطی در رنج بود و الیاس نبی قدرتمندانه کلام خدا را اعلام می‌کرد (اول پادشاهان ۱۷-۱۸؛ لوقا ۴: ۲۵؛ یعقوب ۵: ۱۷). دانیال این عدد کتاب‌مقدسی را بطور سمبولیک برای دوره دیگری از مصیبت بکار برد که از زمان بی‌حرمتی به معبد توسط آنتیوخوس چهارم در ۱۶۷ قبل از میلاد تا وقف مجدد آن در ۱۶۴ میلادی ادامه یافت. این پادشاه شرور تلاش کرد زمانهای تعیین شده توسط خداوند و شریعت را تغییر دهد، ولی شکست خورد (دانیال ۷: ۲۵؛ ۱۲: ۷). حال عیسی این عدد کتاب‌مقدسی را بطور سمبولیک بکار می‌برد تا بر دوره عهد جدید مصیبت تاکید کند که ظاهراً بطور بی‌پایانی ادامه دارد، لیکن ناگهانی و غیرمنتظره به پایان خواهد رسید. این به دوره مکاشفه‌ای اشاره دارد که در آن کلیسا، پیام انجیل را اعلام می‌کند و شیطان و ضد مسیح، کلیسا را مورد جفا قرار می‌دهند. عدد «سه و نیم» بویژه نمادی است برای کل دوره عهد جدید بین آمدن اولیه و ثانویه مسیح و موازی است با عدد «۴۲ ماه» که در طول آن کلیسا محافظت می‌شود (۱۱: ۲ و ۱۳: ۵) و عدد «۱۲۶۰ روز» که در طول آن کلیسا انجیل را اعلام می‌کند (۱۱: ۳ و ۱۲: ۶). در حالیکه عدد «سه و نیم سال» نمادی است برای دوره طولانی اعلام انجیل در میانه جفاها است (۱۱: ۳-۶)، عدد «سه و نیم روز» سمبلی است برای یک دوره بسیار کوتاه از جفا درست قبل از بازگشت مسیح (۱۱: ۷-۱۲). هر دو دوره‌هایی هستند که به نظر می‌رسد بطور بی‌پایانی امتداد می‌یابند، اما عدد «نیم» نشان می‌دهد که هر دو ناگهانی به انتها می‌رسند.

«در امان بودن زن از گزند مار که همان اژدهاست» سمبلی از این واقعیت است که شیطان قادر نیست برای نابودیش به او دسترسی یابد. این همان معنای «در بند بودن» اژدها را دارد (۲۰: ۱-۳). "ناگاه از دهان مار، سیل آب به سوی زن جاری شد". سمبل توضیح داده نمی‌شود، لیکن دروغها، فریبه‌ها و نیرنگها منتشر شده از دهان شیطان را نشان می‌دهد که بوسیله آنها تلاش می‌کند کلیسا و مسیحیان را فریب دهد (۱۶: ۱۳-۱۴؛ یوحنا ۸: ۴۴). شیطان هر ابزار امکان‌پذیری را در جهان بکار می‌گیرد تا مسیحیان را از مسیح دور سازد (متی ۱۳: ۷ و ۲۲). "اما زمین به یاری زن شتافت و دهان باز کرد و سیل را فرو برد." این نماد شرح داده نشده است، لیکن نشان می‌دهد که نیروهای دنیوی طوری تقسیم شده‌اند، که نتوانند با هم برای نابودی کلیسا متحد شوند. آنها بر ضد هم عمل می‌کنند و قدرت و طرح‌های یکدیگر را در هم می‌ریزند (اول سموئیل ۲۳: ۲۶-۲۸). هر زمان شاخه‌هایی که سبب پراکندگی قوم خدا می‌شوند، نمودار می‌گردند، خدا صنعتگرانی را برای خرد کردن آنها می‌آورد (زکریا ۱: ۱۸-۲۱).

دو. "سپس اژدها می‌رود تا با بقیه فرزندان او بجنگد"، آنها کسانی هستند که از فرامین خدا اطاعت می‌کنند و شهادت مسیح را نگاه می‌دارند. «بقیه فرزندان» نمادی است نشانگر افراد مسیحی، زیرا آنها از فرامین خدا تبعیت می‌کنند (متی ۲۸: ۱۹) و شهادت مسیح را نگاه می‌دارند (۱۲: ۱۱). اژدها نتوانست مسیح را نابود کند. در سراسر دوره عهد جدید تلاشهای مستمرش

برای نابودی کلیسای مسیح خنثی می‌شوند. خدا تنها در انتهای دوره عهد جدید به او اجازه خواهد داد کلیسا را به عنوان بنیاد سازمان‌یافته از بین ببرد (۱۱: ۷-۱۰؛ ۲۰: ۷-۹). در این بین، شریر خشم خود را متوجه تک‌تک مسیحیان خواهد کرد. به این دلیل است که مسیحیان بطور فردی مورد ستم، جفا قرار می‌گیرند، به زندان می‌افتند و حتی به قتل می‌رسند. «اژدهای ایستاده بر کنار دریا» احتمالاً به شیطان اشاره دارد که سبب می‌شود وحش از دریا خارج شود. شیطان کماکان از تمامی قدرتهای روی زمین بهره می‌گیرد، اما خدا حاکمانه او را به مرزهای تصمیمات خود محدود می‌سازد.

تکلیف برای روز بعد

- اول. مکاشفه ۱۳-۱۴ را بخوانید. فردا مکاشفه فصلهای ۱۳ الی ۱۴ را مطالعه می‌کنیم.
- دوم. کتابهای دستور عمل "بروید و ملکوت خدا را موعظه کنید" را ملاحظه کرده و به آدرس اینترنتی www.dota.net مراجعه کنید. این آدرس را به حروف تکرار میکنم....
- سوم. هر شنبه تا چهارشنبه به برنامه "دوره شاگردسازی از رادیو" گوش دهید.